





دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

گروه تاریخ

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

گرایش تاریخ اسلام

عنوان :

نقش سیاسی اجتماعی، انصار در زمان رسول الله (ص)

استاد راهنما :

دکتر احمد اشرفی

استاد مشاور :

دکتر ابوالقاسم پیاده کوهسار

نگارش:

محمدرضا اشرفی

تابستان ۱۳۹۲



**ISLAMIC AZAD UNIVERSITY**

**History Branch**

**A Thesis Submitted for receiving MA level**

**Islam's History Branch**

**On Genetis**

**Subject:**

**Political and Social effect of Ansar's in the  
prophet era**

**Leader:**

**Dr. Ahmad Ashrafi**

**Advisor:**

**Dr. Abolghasem Piadeh Koohsar**

**Written By:**

**Mohammad Reza Ashrafi**

**Summer 1392**

## تقدیم به

همسر وفادارم، که همراهی و امید بخشی ایشان در تهیه ی این پایان نامه همیشه توفیق راه بوده است.

## سپاسگزاری

نخست سپاس بی کران، خداوند دوستدار علم و دانایی را، که سعادت پوییدن در شاه راه دانش، به بنده عنایت فرمود. مراتب سپاس و قدردانی خویش را نثار تمام دانشورانی تقدیم می دارم، که در نگارش این تحقیق مرا یاری نمودند :

استاد فرهیخته جناب آقای دکتر اشرفی ، که با یاری راهگشای ایشان این تحقیق آغاز گشت و پای گرفت، را سپاس می گویم.

از استاد محترم جناب آقای دکتر پیاده کوهسار که از وسعت نظر ایشان در امر اصلاح و بهبود تحقیق برخوردار بودم، سپاسگزارم.

همچنین بر خود واجب می دانم از همسر عزیزم که مشوق اصلی و همراه همیشگی من در نگارش این پایان نامه بوده اند تقدیر فراوان نمایم. در پایان از اهتمام اساتید گرانقدر رشته تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود که دانش خویش را مرهون تلاش آن بزرگواران می دانم، کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

## فهرست مطالب

۱	چکیده:
۲	مقدمه
۳	<b>فصل اول_ کلیات پژوهش</b>
۴	۱- بیان مسأله
۴	۲-۱- پیشینه تحقیق
۴	۳-۱- ضرورت تحقیق
۴	۴-۱- سؤالات تحقیق
۵	۵-۱- فرضیه های تحقیق
۵	۶-۱- جنبه نوآوری تحقیق
۵	۷-۱- روش تحقیق
۵	۸-۱- سازماندهی تحقیق
۶	<b>فصل دوم_ اوضاع سیاسی و اجتماعی عربستان در آستانه ظهور اسلام</b>
۷	۱-۲- وضعیت جغرافیایی عربستان
۸	۲-۲- وجه تسمیه واژه عرب و جزیره العرب
۹	۳-۲- نقش قبایل در پیدایش نظام سیاسی عربستان
۱۱	۴-۲- سنتهای فرهنگی و اجتماعی قبایل
۱۳	۵-۲- تقسیم بندی اعراب
۱۴	<b>فصل سوم وضعیت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی انصار از بعثت پیامبر تا هجرت</b>
۱۵	۱-۳- آیات قرآن که پرورش سیاسی را تقویت کرد:
۲۳	۲-۳- آیات اجتماعی و نقش آن در اوضاع اجتماعی مدینه:
۲۷	۳-۳- جنگ بعثت و پیامدهای آن:
۲۸	۴-۳- هم پیمانان اوس و خزرج :
۳۱	۵-۳- واکنش اوسیان و خزرجیان به دعوت پیامبر
۳۲	۶-۳- پدیده نفاق در میان انصار:
۳۶	۷-۳- عقبه اول:
۳۷	۸-۳- نتایج پیمان عقبه اول:
۳۸	۸-۳- عقبه دوم :
۴۰	<b>فصل چهارم_ عملکرد اجتماعی انصار از هجرت تا سقیفه</b>
۴۱	۱-۴- علل پذیرش اسلام از جانب انصار:

۴۲	۲-۴- بافت جمعیتی یثرب:
۴۳	۳-۴- پیامبر در خانه ابویوب انصاری
۴۴	۴-۴- عهد نامه عمومی (نخستین قانون اساسی):
۴۸	۵-۴- احقاق حقوق انصار در عهدنامه عمومی:
۴۹	۶-۴- عقد اخوت انصار و مهاجر:
۵۱	۷-۴- نقش انصار در احقاق حقوق یهودیان در پیمان نامه:
۵۴	۸-۴- همیاری اجتماعی انصار در پذیرش مهاجرین در مدینه:
۵۵	۹-۴- رقابتهای مهاجرین و انصار در مدینه :
۵۹	۱۰-۴- نقش انصار در حبه الوداع و غدیر خم
۶۳	۱۱-۴- موضع گیری انصار در تحولات آخرین روزهای پیامبر
۶۶	۱۲-۴- نقش انصار در مساله جانشینی پیامبر
۶۶	۱۳-۴- دگرگونی موقعیت اجتماعی زنان انصار
۷۱	<b>فصل پنجم: انصار و نقش آنها در غزوات پیامبر</b>
۷۲	۱-۵- اهمیت جهاد در اسلام:
۷۳	۲-۵- تفاوت انواع جنگهای پیامبر:
۷۴	۳-۵- انصار و نقش آنها در جنگ بدر
۷۶	۴-۵- نقش انصار در جنگ احد:
۷۷	۵-۵- نقش انصار در جنگ خندق:
۸۲	۶-۵- نقش انصار و صلح حدیبیه:
۸۵	۷-۵- نقش انصار در نبردهای پیامبر با یهود:
۸۷	۸-۵- نقش انصار در فتح مکه:
۹۱	۹-۵- موضع انصار در جنگ تبوک:
۹۳	۱۰-۵- نقش زنان انصار در جنگهای صدر اسلام:
۱۰۳	<b>فصل ششم: نتیجه گیری</b>
۱۰۴	۱-۶- نتیجه:
۱۰۵	منابع و مأخذ:
۱۰۹	Abstract

### **چکیده:**

اوس و خزرج که در مدینه ساکن بوده اند ریشه جنوبی داشتند و از جمله اعرابی بودند که پس از شکسته شدن سد مارب از یمن به این ناحیه کوچ کردند. این دو قبیله در تاریخ حجاز پیوسته باهم اختلاف و زدو خورد داشتند جنگ باعث مشهورترین این نبردها می باشد این اختلافات آنها را مستاصل کرده بود و دنبال نجات دهنده ای می گشتند. تا اینکه در قرن هفتم میلادی با پیام نبی اسلام آشنا شدند و پس از پیمان عقبه دوم پیامبر به همراه یارانشان به این شهر مهاجرت کردند اوس و خزرج پس از ورود پیامبر به شهرشان انصار نامیده شدند و در پذیرش مهاجرین مکی و تثبیت قدرت پیامبر (ص) فداکاری زیادی نمودند. تعالیم اسلام و رهبری پیامبر محیط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مدینه را به کلی متحول کرد و انصار در تمام این تحولات نقش کلیدی داشته اند و خداوند تعالی در آیات قرآن بارها انصار را ستوده است.

**کلید واژه ها :** انصار، اسلام، مدینه، رسول الله



## مقدمه:

در جامعه عرب قبل از اسلام بزرگترین واحد اجتماعی قبیله بود که تقریباً هویت افراد در چهارچوب آن تعریف می شد. رئیس قبیله از اختیارات وسیعی برخوردار بود و نقش راهبردی در سرنوشت قبیله خویش داشت. شرایط اقتصادی و اقلیمی نیز به گونه ای بود که قبائل عرب فقط از طریق پرورش شتر و گوسفند و ایجاد بازارهای فصلی در ماههای حرام روزگار می گذراندند و در بیابان بر سر چراگاه و به بهانه های واهی درگیری های بی پایانی روی می داد که گاه چندین نسل طول می کشید و جنگ جزء عادات ثانویه اعراب شده بود.

اعراب شهر نشین بیشتر از طریق تجارت، امرار معاش می کردند شهر مکه جنبه دینی و تجاری داشت ولی یثرب محل سکونت انصار بیشتر جنبه کشاورزی داشت و تجارت بیشتر در اختیار یهودیان بود. انصار قبل از ورود اسلام به این شهر در اثر جنگهای بیهوده به ستوه آمده بودند و ظهور پیامبر اعظم دری از رحمت به سوی آنها گشود. بنابراین با دعوت پیامبر به شهر خویش، با تمام وجود از اهداف آن حضرت حمایت کردند و طی ده سال حیات رسول گرامی در مدینه، در تمام مراحل در کنار رسول خدا ایفای نقش کردند. بجز اندکی از انصار که دچار پدیده نفاق بودند، انصار صادقانه به رسول خدا ایمان آورده و در راه آرمانهای آن حضرت و محقق کردن آنها تلاش کردند. این پژوهش در پی تبیین این تلاشها ی گرانقدر در عصر رسول گرامی اسلام می باشد.

# فصل اول

## کلیات پژوهش

## ۱-۱ بیان مسأله:

با توجه به اینکه انصار از لحاظ سیاسی و اجتماعی نقش کلیدی و سرنوشت سازی در به ثمر رسیدن نهضت رسول اکرم (ص) داشتند و تحقیق همه جانبه، و فراگیر و مستقلی در این باره صورت نگرفته و عاملی چند در این پایان نامه به این موضوع پرداخته خواهد شد از آنجایی که در به ثمر رسیدن هر اندیشه، آرمان و احیاء دینی عواملی نقش اساسی را بر عهده دارند در اسلام نیز عواملی چون، اخلاق حسنه پیامبر و مجاهدات یاران پیامبر، مهاجرت آن حضرت از مکه به مدینه و تلاش های همه جانبه و بی شائبه انصار در راه اهداف به رسول خدا و ... را می توان از جمله این عوامل برشمرد و پیامبر در مدت ۱۳ سال تلاش در مکه به علت فراهم نمودن شرایط مساعد به جایی رسید که نزدیک بود جان خویش را از دست بدهد ولی مهاجرت به مدینه و فراهم بودن شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این شهر چنان زمینه مساعدی را فراهم کرد که قبل از ورود آن حضرت اکثریت ساکنان شهر ایمان آوردند و آنها در تمام غزوه ها و سریه ها و مراحل دعوت رسول خدا در کنار ایشان نهایت فداکاری را مبذول داشتند به نحوی که می توان گفت نقش کلیدی و سرنوشت سازی را در به ثمر رسیدن نهضت رسول اکرم (ص) داشتند . خداوند نیز در قرآن کریم بارها انصار را ستوده است لذا در این پایان نامه در صددیم که به تبیین زوایای پیدا و پنهان نقش سیاسی و اجتماعی نقش انصار در زمان نبی مکرم اسلام بپردازیم

## ۲-۱- پیشینه تحقیق :

هر چند تمام کتب تاریخ اسلام به نقش انصار در زمان رسول خدا به صورت کلی پرداختند ولی هیچ کتاب مستقلی در این باره نوشته نشده است و فقط یک پایان نامه به نقش انصار در جامعه اسلامی مدینه تا ۴۰ هجرت پرداخته است که موضوع بخشی از آن محسوب می شود.

## ۳-۱- ضرورت تحقیق :

با توجه به اینکه نقش رسول خاتم در تحول مناسبات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جهانی نقش بی بدیلی را ایفا کردند ، پرداختن به انصار به عنوان گروهی از مردم مدینه که وی را در ساختن اولین جامعه و حکومت اسلامی که سنگ بنای امت بزرگ واحده اسلامی می باشد یاری داده اند و از سویی نیز چون تحقیق همه جانبه فراگیر و مستقلی در این باره صورت نگرفته اهمیت ضرورت پرداختن به این پژوهش را دوچندان می کند .

## ۴-۱- سوالات تحقیق :

پرسش اصلی تحقیق (مسأله اصلی تحقیق) عبارت است از : نقش سیاسی - اجتماعی انصار در زمان رسول الله (ص) چگونه بوده است؟

سوالهای فرعی:

- ۱- پیشینه تاریخی انصار قبل از اسلام چه بوده است؟
- ۲- علل گرایش انصار به اسلام چه بوده است؟
- ۳- انصار چه نقشی از لحاظ سیاسی در پیشبرد و اهداف اسلام داشته اند؟

۴- نقش انصار از لحاظ اجتماعی در زمان پیامبر چه بوده است؟

### ۱-۵- فرضیه های تحقیق :

اصلی:

- با توجه به گسترش سریع اسلام در مدینه به نظر می رسد که انصار از نظر سیاسی و اجتماعی نقش موثری در این باره داشتند.

فرعی:

۱- از آنجا که قبایل اوسی و خزرج یعنی انصار مدینه از اعراب یمانی به شمار می روند به نظر می رسد پیشینه تاریخی زیادی در مدینه و سایر امور باید داشته باشند.

۲- با توجه به مخالفت های گسترده سران قریش در مکه و رشد سریع اسلام در مدینه به نظر می رسد که عواملی چون آماده بودن شرایط اجتماعی، تبلیغات یهودیان در آمدن پیامبر موعود و ... در گرایش انصار به اسلام موثر بوده است.

۳- از آنجایی که اولین اقدامات پیامبر در مدینه تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای قوانین الهی بوده به نظر می رسد که انصار در این زمینه نقش برجسته ای ایفا کرده باشند.

۴- با توجه به استقبال گسترده جامعه مدینه از پیامبر و پذیرفتن مهاجرین در خانه های خودشان و پیمان شکنی های یهود بعد از استقرار پیامبر در مدینه به نظر می رسد که انصار نقش اجتماعی عمده ای در پیشبرد اهداف اسلام و وفاداری به آن حضرت داشته باشند.

### ۱-۶- جنبه نوآوری تحقیق:

بحث جدیدی که در این موضوع مطرح می باشد این است که بین جامعه مکه و مدینه چه تفاوتی وجود داشته که اسلام در کمتر از ده سال در مدینه، به چنان قدرتی می رسد که عربستان را در زیر پرچم خود متحد می کند در حالی که در مکه سران قریش با تمام قوا در مقابل آن ایستاده بودند. تبیین این موضوع که رهبر عالیقدر اسلام چگونه از توانمندی های سیاسی و اجتماعی انصار در پیشبرد اهداف بهره برده است. ما را به زوایای پنهان و آشکاری رهنمون می کند که شناخت ما را از این دنیا از این گروه بالاتر خواهد برد.

### ۱-۷- روش تحقیق :

روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی و روش جمع آوری کتابخانه ای می باشد بدین صورت که ابتدا با توجه به منابع و اسناد موجود، فیش برداری های لازم از منابع و ماخذ صورت گرفته و سپس آن ها را گزینش و دسته بندی کرده و در سبدهای منظم فصل ها و بوجود آمده و به تحلیل و تفسیر داده های تاریخی درباره موضوع پایان نامه پرداخته شده است.

### ۱-۸- سازماندهی تحقیق :

این پژوهش پس از شناسایی منابع و گردآوری اطلاعات و فیش برداری به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته و در پنج فصل به شرح زیر تقسیم گردیده است :

۱- کلیات تحقیق، ۲- اوضاع سیاسی-اجتماعی عربستان در آستانه ظهور اسلام ۳- وضعیت سیاسی-اجتماعی از بعثت تا هجرت ۴- عملکرد اجتماعی انصار از هجرت تا سقیفه ۵- انصار و نقش آنها در غزوات پیامبر

# فصل دوم

اوضاع سیاسی و اجتماعی عربستان  
در آستانه ظهور اسلام

## ۱-۲- وضعیت جغرافیایی عربستان

عربستان به عنوان خاستگاه دین مبین اسلام ضروری است شناخته شود زیرا محیط تولد این شریعت مبارک است. سرزمین عربستان در جنوب غربی قاره آسیا مساحتی حدود سه میلیون کیلومتر مربع دارد<sup>۱</sup>.

اکنون شامل هفت کشور است: عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، عمان و یمن. اعراب سرزمین را جزیره العرب می نامیدند زیرا خاستگاه و مسکن اصلی قوم عرب بوده است. هرچند تا پیش از ظهور اسلام گروه هایی از این قوم در نواحی شمالی بین النهرین تا سرزمین شام و اندکی در سواحل غربی در دریای سرخ می زیستند. شبه جزیره عربستان به شکل یک چهار ضلعی نامنتظم از شمال به عراق و اردن، از شرق به خلیج فارس و دریای عمان و از جنوب به اقیانوس هند و خلیج عمان و از غرب به دریای سرخ محدود است.

شبه جزیره عربستان بزرگترین شبه جزیره جهان است که از مناطق وسیع جغرافیایی صحرائی و بیابانی تشکیل می شود. جز محدوده کوچک مجاور دریای عمان و بخشی از نوار کوهستانی در جنوب و جنوب غربی و باریکه کوهستانی دیگر که در سرتاسر غرب واقع است قسمت باقی مانده آن صحرا یا شبه صحراست. این صحرا در مناطق مختلف نامهای متفاوت به خود می گیرد. در بخش شمالی به صحرای نفود، بخش جنوبی به ربع الخالی و بخش میانی به صحرای نفود کوچک (بیابان دهن) شناخته می شود. از جنوب عراق بادیه سماوه شروع می شود تا سواحل اقیانوس هند دریای عرب امتداد می یابد. از شمال به بادیه سماوه از شرق به خلیج فارس و از غرب به رشته کوههای حجاز و فلات نجد و ناحیه کوهستانی یمن می پیوندد. اراضی این صحراها بیشتر شن زار است و ریگ های روان پهنه عظیمی از آن را می پوشاند. به هنگام وزش باد سراسر فضا را ابری از گرد و غبار فرا می گیرد و حرکت ریگ روان پیوسته وضع ظاهری صحراها را تغییر می دهد. بخشی از این صحراها که به سلسله جبال حجاز نزدیک تر است از سنگ های بزرگ و کوچک سیاه رنگ پوشانده شده است که بقایای آتشفشانهای دوران های قدیم است. نمونه این سرزمین ها در اطراف مدینه نیز دیده می شود. گذشته از این پهنه وسیع صحرائی که بخش عمده جزیره العرب را تشکیل می دهد مناطق غیر صحرائی دیگری نیز در این شبه جزیره وجود دارد. جغرافی نویسان قدیم تقسیمات مختلفی از این مناطق ارائه کرده اند که در مجموع می توان مناطق زیر را در این شبه جزیره شناسایی کرد:

۱- نجد: واژه نجدبه معنای ((زمین مرتفع)) و ((فلات)) است این بخش فلات مرتفعی است که از سطح دریابه طورمتوسط ۸۰۰ مترارتفاع داردوازش میانی کوههای حجازتاصحرای بحرین ادامه داردودارای صحراهاوکوهسارهای پراکنده است. بخشی ازراضی آن نیزبرای کشاورزی مناسب است وازمنابع اندک آب برخورداراست. این بخش ازنظرآب وهوایی مناسب ترین مکان عربستان برای زندگی است

۱ - جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۷۸

۲- حجاز: واژه حجاز به معنای ((حائل)) و ((جداکننده)) است و چون ناحیه ساحلی تهامه را از فلات نجد و بیابانهای مرکزی عربستان جدا می سازد ((حجاز)) نامیده شده است.

کوهسار حجاز از یمن در جنوب تا شمالی ترین ناحیه جزیره العرب نزدیک به خلیج عقبه و سرزمین اردن امتداد دارد ارتفاع بعضی از قله های آن در بخش شمالی به ۳۰۰۰ متر و در بخش جنوبی به ۳۷۵۰ متر می رسد. ارتفاع متوسط آن کمتر از ۲۰۰۰ متر است در پاره ای از نقاط آن هنگام زمستان برف می بارد. بیشتر کوههای این ناحیه آتشفشانی اند و آخرین فوران آتشفشانی آنها در سال ۶۵۴ هجری گزارش شده که گدازه های آن تا نزدیک شهر مدینه نیز رسیده است. شهرهای مقدس مکه و مدینه و نیز طایف مهمترین شهرهای حجازند. کوهسار حجاز مانع عظیمی بر سر راهیابی ابرهای برخاسته از دریای سرخ به داخل شبه جزیره است که عامل اصلی خشکی زمین و کمبود باران در پهنه صحرائی به شمار می آید.<sup>۱</sup>

۳- تهامه: باریکه ای از سرزمین های پست ساحلی است که به موازات حجاز در سراسر جزیره العرب و در امتداد ساحل دریای سرخ کشیده شده است و برخی از جغرافی نویسان عرب، شهر مکه را نیز جزء تهامه دانسته اند. عرض این باریکه ساحلی که هوایی بسیار ناگوار دارد از ۲۵ تا ۷۰ کیلومتر متفاوت است. بنادر مهم حدیده در یمن و جدّه و یَنْبَعُدَر عربستان سعودی در این منطقه ساحلی قرار دارد.<sup>۲</sup>

۴- یمن: در گوشه جنوب غربی شبه جزیره عربستان سرزمینی کوهستانی و خوش آب و هوا که در مقایسه بادیگرنواحی شبه جزیره از آب فراوان و کشت و زرع پر رونق برخوردار است جای دارد. بلندترین کوههای جزیره العرب در این ناحیه قرار دارد و در دوران باستان از تمدن پیشرفته و نظام حکومتی و شهری سامان یافته ای برخوردار بوده است. در شهرهای تاریخی صنعا، صنعده، نجران و عدن و اطراف آنها آثار متعددی از تمدن دیرینه آن سرزمین به چشم می خورد که از آن جمله می توان شهر مأرب را نام برد. مأرب مسکن قوم سبأ بود و سدی به همین نام در نزدیکی آن قرار داشته است که ویران شده آن سبب مهاجرت فراگیر قبایل یمن به نواحی شمالی آن از جمله مدینه و فراه آن به نواحی عراق و شام گردید. از دیگر مناطق جزیره العرب می توان از عمان، شبه جزیره قطر، جزیره البحرين، قطیف (آجاء) و کویت نام برد که همه آنها در خط ساحلی دریای عمان و خلیج فارس جای دارند.

## ۲-۲- وجه تسمیه واژه عرب و جزیره العرب:

عرب دسته ای مردم خلاف عجم، و مراد از عجم هر کسی است که غیر عرب باشد از فرس و ترک و فرنگ و جز آنها و لفظ عرب مونث است بر تاویل طائفه و گفته شده است عرب شهرنشینند، و گفته شده است عام است و شامل سگان شهرها و بادیه ها هر دو شود. مردم تازی شهر باش یا عام است و مونث آید.<sup>۳</sup>

منظور قرآن از کلمه عرب همه ساکنان آن می باشد که به دو گروه اعراب عدنانی و قحطانی تقسیم می شوند و انصار یعنی اوس و خزرج از اعراب قحطانی هستند که پس از شکسته شدن سد مأرب به صفحات شمالی که جزیره العرب کوچ کردند قحطانیان که تمدن پترا را در اردن فعلی در وادی موسی ساخته اند و همچنین غسانیان که تابع روم بودند از اعراب جنوب مهاجر به صفحات شمالی می باشند.

۱ - آینه وند، صادق، تاریخ اسلام، ص ۳۳

۲ - آینه وند، همان، ص ۳۷

۳ - دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغتنامه، ج اول، ص ۶۱۵

## ۲-۳- نقش قبایل در پیدایش نظام سیاسی عربستان:

پیش از ظهور اسلام، عرب حجاز تابع حکومتی نبود و نظم و تشکیلات سیاسی نداشت. از این رو زندگی اجتماعی آنها تفاوت عمده ای با مردم ایران و روم داشت زیرا در کشور مجاور عربستان حکومت واحد مرکزی وجود داشت که اداره امور تمام نقاط کشور را در دست داشت و قانون و مقررات آن در همه جای کشور نفوذ داشت. ولی در حجاز و به طور کلی در شمال و مرکز جزیره العرب حکومت و قدرت مرکزی حتی در شهرها وجود نداشت اساس اجتماع عرب را قبیله و نظام سیاسی و اجتماعی آنان را نظام قبیله‌گی تشکیل می داد و این نظام در تمام شئون و ابعاد زندگی آنان منعکس بود. در این نظام هویت افراد تنها با انتساب به یکی از قبایل مشخص می شد. بافت زندگی قبیله‌گی نه تنها در میان صحرا نشینان بلکه در شهرها نیز به خوبی نمایان بود در آن منطقه هر قبیله همچون یک کشور مستقل به شمار می آمد و مناسبات بین قبایل را می توان به مناسبات خارجی امروز کشورها تشبیه کرد. در میان عرب آن روزگاران ((ملیت)) و ((قومیت)) بر اساس موضوعاتی مانند وحدت دین یا زبان یا تاریخ مفهوم نداشت. قبیله عبارت از مجموع چند خانواده خویشاوند بود و پیوندی که افراد آن را بایکدیگر مرتبط می ساخت و بین آنها همبستگی ایجاد می کرد پیوند خون و پیوندی سببی و نسبی بود زیرا مردم یک قبیله خویشتر را یک خون می شمردند این پیوند خونی لازمه حمایت افراد هم قبیله از هم می شد. از اجتماع خانواده چادر و خیمه و از اجتماع چادرها قبیله به وجود می آمد و حتی تشکیل اتحادیه های بزرگ قبایل مانند یهودیان بر اساس هم خونی و شجره واحد بوده است. این عده چادرهای خود را طوری نزدیک به هم برپا می کردند که از اجتماع آن ها قبیله های چند هزار نفری ایجاد می شد و آنگاه دسته جمعی به دنبال دامهای خویش مهاجرت می کردند. این مهاجرت ها شبیه مهاجرت های عشایر دامدار کنونی ایران است.

نماینده و رئیس قبیله ((شیخ)) نامیده می شد. وی به نام رئیس، امیر، سید نیز خوانده می شد. یکی از این روسای قبایل عبدالمطلب جد بزرگوار خاتم النبیین بودند. شیخ معمولاً کهن سال ترین افراد قبیله بود و ریاست قبیله در نتیجه بزرگی، شخصیت، تجربه و پختگی یا ابراز شجاعت در دفاع از قبیله و گاهی در اثر ثروت زیاد به دست می آمد.<sup>۱</sup> و در انتخاب شیخ، صفات ممتازی مانند سخاوت، شجاعت، صبر، حلم، تواضع و بیان رعایت می شد.<sup>۲</sup>

رئیس قبیله در مسائل قضایی، جنگی و دیگر کارهای عمومی، دارای قدرت استبدادی نبود، بلکه در هر کاری با انجمن قبیله که از بزرگان قوم و سران خاندان تشکیل می شد مشاوره می کرد. هم آنها بودند که شیخ را انتخاب می کردند و تا زمانی که گروه منتخبان از او خشنود بودند در مقام خویش باقی می ماند. اما در هر حال به حکم سنت قبیله، همه افراد قبیله از رئیس قبیله اطاعت می کردند. پس از مرگ رئیس قبیله، معمولاً پسر بزرگ او و گاه فرد کهن سال دیگری که ویژگی های او را داشت و با دارای لیاقت و شخصیت خاصی بود به این سمت انتخاب می شد. آیین اسلام با نظام قبیله‌گی مبارزه کرد و آن را از بین برد و به نژاد و نسب که اساس این نظام بود بهایی نداد و جامعه نو بنیاد اسلامی را بر اساس ((وحدت عقیده)) و ((ایمان)) که نیرو مندترین پیوند اجتماعی است استوار ساخت و بدین ترتیب (ایمان مشترک) را جایگزین (خون مشترک) ساخت و همه مومنان را با هم برادر معرفی کرد: بدین ترتیب زیر بنای ساختار

۱- امین، احمد، *پرتو اسلام*، ج دوم، ص ۲۵۱

۲- عبدالمنعم، ماجد، *التاریخ السیاسی الدوله العربیه (قاهره)*، ص ۱۶۵

۳- امین، همان، ص ۴۹

۴- الالوسی بغدادی، محمودشکری، *بلوغ العرب فی معرفه احوال العرب*، ج ۲، ص ۲۶۵

۵- حجرات، آیه ۴۹



اجتماعی عرب دگرگون شد. تعصب به منزله روح قبیله است و نشانه این است که فرد بی دریغ به افراد قبیله خود وابسته است به طور کلی تعصب قبیله‌گی در صحرائنشینان نظیر وطن پرستی افراطی است. آنچه را یک فرد متمدن در راه کشور، دین یا نژاد خود می کند عرب بدوی به خاطر قبیله خود انجام می داد. او در این راه دست به هر کاری می زد حتی جان خود را فدا می کرد.<sup>۱</sup> در میان اعراب رفتار افراد قبایل با برادر و عمو زاده و خویشان، همراه با تعصب بود. عرب بدوی در هر حال از نزدیکان خود حمایت می کرد و خطاکار یا درستکار، ستمکش یا ستمکار بودن او تفاوتی نداشت. در نظر عرب اگر کسی از حمایت و مساعدت برادر و عمو زاده خود کوتاهی می کرد، شرافت او لکه دار می شد در این باب می گفتند (برادر خود را یاری کن چه ستمکش باشد چه ستمکار!) شاعر عرب در این باره گفته است: هنگامی که برادرشان در گرفتاریها آنان را به کمک می طلبد بی هیچ پرسش و دلیلی به کمک او می شتابند. بر این اساس اگر به یکی از افراد قبیله اهانت می شد به تمام قبیله اهانت شده بود و افراد قبیله موظف بودند برای رفع اهانت و زدودن لکه ننگ تا آنجا که نیرو دارند بکوشند. دین اسلام این گونه تعصب قبیله‌گی را محکوم و آن را جاهلانه و غیر منطقی معرفی کرد (به خاطر بیاورید هنگامی که کافران در دل‌های خویش تعصب جاهلیت داشتند.) در این رابطه استناد دیگری نیز موجود است مثلاً: پیامبر اسلام فرمود هر کس تعصب بورزد یا به خاطر او تعصب بورزد از اسلام خارج است.<sup>۲</sup> نیز فرمود (هر کس به تعصب دعوت کند یا براساس تعصب سخن بگوید یا با روح و فکر تعصب بمیرد از ما نیست.) آن حضرت در جای دیگری فرموده است: (برادر ظالم را چگونه یاری کنیم؟ فرمود از ظلم او جلو گیری کن.)<sup>۳</sup>

یکی از مسایل نظام قبیله ای انتقام گیری براساس عدم رعایت اصل شخصی بودن جرایم و مجازات ها بود یعنی انتقام گیری از افراد دیگر قبیله که در ادامه به آن اشاره می شود: از آنجا که در محیط عربستان آن روز حکومت مرکزی و دستگاه دادرسی وجود نداشت تا اختلافات مردم را برطرف نموده و عدالت را برقرار سازد کسی که مورد ستم و تجاوز قرار می گرفت حق داشت شخصا انتقام بگیرد و در صورتی که متجاوز از قبیله دیگر بود کسی که مورد ظلم قرار گرفته بود حق داشت انتقام خود را از سایر افراد قبیله او بگیرد و این کارکرد عرب، بسیار عادی بود. زیرا خطای افراد به پای کل قبیله نوشته می شد و چون هر فردی از قبیله به حکم خویشاوندی و همخونی موظف بود به افراد قبیله بدون توجه به این که حق با آنهاست یا نه کمک کند این وظیفه ابتدا از طرف نزدیکان و اعضای خانواده و عشیره انجام می شد و هر گاه موفقیت حاصل نمی شد و خطر دفع نمی گردید بقیه طایفه و قبیله به کمک می آمدند اگر فردی کشته می شد خونخواهی وظیفه نزدیکترین اقوام بود. و اگر مقتول از قبیله دیگر بود رسم انتقام اجرا می شد و هر یک از افراد قبیله قاتل در معرض این خطر بود که جان خود را به عوض مقتول از دست بدهد زیرا قانونی که در صحرا حاکم بود که می گفت: خون را جز خون نمی شوید و خون بهایی جز گرفتن انتقام پذیرفته نبود. به یک اعرابی گفتند آیا حاضری از کسی که به تو آزاری رساند بگذری و از او انتقام نگیری؟ گفت من خوشحال می شوم که انتقام بگیرم و به جهنم بروم.<sup>۴</sup>

۱ - دورانت، ویل، *عصر ایمان، تمدن اسلامی (تاریخ تمدن)*، ج ۲، ص ۱۵۶

۲ - کلینی، ابوجعفر، *اصول کافی*، ج ۱، ص ۸۷

۳ - بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، ج ۳، ص ۶۶

۴ - ابراهیم حسن، حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ج ۲، ص ۳۹

۵ - ابراهیم حسن، همان، ص ۶۷

۶ - کلینی، همان، ص ۹۱

از دیگر بدی های قبایل عرب فخر فروشی آن ها به هم حتی بر سر مسائل بی ارزش بود: عرب به هر کدام از ارزشهای آن جامعه (که نوعاً ارزشهای موهوم و پوچ بود) می نازید و به خاطر دارا بودن آنها به قبایل دیگر فخر می فروخت گذشته از صفاتی مانند شجاعت در میدان جنگ بخشندهگی و وفاداری.<sup>۱</sup>

مال و ثروت تعداد فرزندان و وابستگی به قبیله قدرتمند هر کدام در نظر عرب آن روز ارزش مهم و وسیله برتری و کسب افتخار و شرف بود قرآن کریم سخنان آنان را چنین بازگو و محکوم می کند . (و گفتند: ما اموال و فرزندان بیشتر داریم و این نشانه احترام و ارزش ما نزد خدا است و ما مجازات نخواهیم شد بگو پروردگار من روزی را برای هر کس که بخواهد فراخ یا تنگ می کند و این ربطی به قرب و احترام شما در پیشگاه او ندارد ولی بیشتر مردم نمی دانند ! اموال و فرزندان شما را نزد ما مقرب نمی سازد جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند .<sup>۲</sup> ) اعراب در زمان جاهلیت به فزونی افراد قبیله خود افتخار می کردند و به این وسیله به قبایل رقیب فخر می فروختند و با آنان به مخاطره می پرداختند. مفاخره از فخر مشتق است یعنی هر یک افتخارات خود را به رخ دیگری بکشد.<sup>۳</sup> داستانهای فراوانی از این گونه مفاخرات در تاریخ عرب پیش از ظهور اسلام نقل شده است یعنی با شمارش افراد خود مدعی می شدند که نفرات قبیله آنان از قبیله رقیب افزون تر است. قرآن اینگونه رقابت و تفاخر جاهلانه و دور از عقل و منطق را نکوهش و محکوم کرد . (افزون طلبی و تفاخر به مال و افراد شما را به خود مشغول ساخته و از خدا غافل نموده است تا آنجا که به دیدار گورها رفتید و قبور مردگان خود را برشمردید و به آن افتخار کردید چنین نیست که می پندارید و به زودی خواهید دانست.<sup>۴</sup> ) این نشانه افراط عرب در اینگونه کج روی های دوران جاهلیت است.

#### ۲-۴- سنتهای فرهنگی و اجتماعی قبایل:

یکی از مهمترین معیار های ارزشی در میان عرب جاهلیت نسب بود که برای آنها بسیار ارزشمند بود: به طوری که بسیاری از معیارهای ارزشی آنها به نسب باز می گشت . در میان قبایل عرب تفاخر نژادی شدید ی حاکم بود . که نمونه بارز آن رقابت نژادی بین عرب عدنانی (عرب شمالی) و عرب قحطانی (عرب جنوب) بود . اعراب معمولاً یا عاربه بودند یا مستعربه و مستعربه در اصل عرب نبود بلکه عرب شده بود . به همین جهت عرب به حفظ و شناخت نسب خود اهمیت می داد نعمان بن منذر در پاسخ کسری گفت: هر امتی جز عرب از نسب خود آگاهی ندارد و اگر از اجداد آنها بیپرسی اظهار بی اطلاعی خواهند کرد. ولی هر عربی آبا و اجداد خود را می شناسد و بیگانگان را جزء افراد قبیله خود نمی داند و خود به قبیله دیگری داخل نمی گردد و جز پدرش به دیگری منسوب نمی شود .

بنابراین جای تعجب نیست که علم (نسب شناسی) که یکی از دانش های محدود آن روز عرب بود از عمرین خطاب در عصر اسلام تحت تأثیر همین تفکر با اظهار ناخوشنودی از قبطیان عراق که خود را با محل سکونت خودشان معرفی می کردند می گفت نسبت خود را یاد بگیرد و مانند قبطیان عراق نباشید که وقتی از اصل و ریشه خانواده آن ها بپرسند در پاسخ می گویند از فلان محل و فلان جا هستیم. بنابراین جای تعجب نیست که علم (نسب شناسی) که یکی

۱ - الالوسی البغدادی ، محمودشکری ، *بلوغ العرب فی معرفة احوال العرب* ، ج ۲ ، ص ۲۸۰

۲ - سیاه آیات ۳۷ و ۳۵

۳ - الالوسی البغدادی ، همان ، ص ۲۸۸

۴ - تکاثر، آیه ۱۰۲

۵ - جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱، ص ۴۹۳

از دانش های محدود آن روز عرب بود از ارزش احترام والایی بر خوردار بوده و نسب شناسان از جایگاه خاصی بهره مند بودند. آلوسی که از صاحب نظران در مسئله عرب شناسی است می گوید عرب جاهلی اهمیت زیادی به حفظ و شناخت نسب خود می داد زیرا این شناخت یکی از وسایل الفت و همیاری بود آنها محتاج ترین افراد به این شناخت بودند زیرا آنها قبایل متفرق بودند آتش جنگ پیوسته در میانشان شعله ور و غارت و چپاول رایج بود واز آنجا که نمی خواستند زیر بار قدرتی بروند تا از آنها حمایت کند ناگزیر نسب خود را حفظ می کردند تا بر دشمن خود پیروز شوند چرا که مهر و محبت بستگان به یکدیگر و تعصب و حمایت از خویشان موجب الفت و پشتیبانی از یکدیگر می گردد و از ذلت و تفرقه جلوگیری می کند. دین اسلام هر گونه برتری نژادی را نفی کرد با آنکه قرآن در میان قریش و عرب نازل شد اما هرگز مخاطب آن قریش یا عرب و امثال اینها نیست بلکه مخاطب ان (ناس) مردم و در موارد بیان وظایف مسلمانان مومنان است قرآن تفاوت های نژادی را یک امر طبیعی می داند و فلسفه این تفاوتها را شناخته شدن افراد از یکدیگر معرفی می کند و تفاخر به نژاد و نسب را محکوم و ملاک ارزش را تقوا اعلام می کند .

( ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و سنتها را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید اینها ملاک امتیاز نیست گرامی ترین شما نزد خدا با تقوا ترین شماست خداوند دانا و آگاه است<sup>۱</sup> ). طبق روایتی از امام صادق (ع) و براساس برخی تفسیرها مقصود از کلمه قبایل در آیه مزبور واحدهای کوچک عربی است که هر کدام قبیله نامیده می شدند و مقصود از شعوب واحدهای ملی غیرعربی است. پیامبر اسلام با تاکید تفاخر به نژاد و نسب را محکوم می ساخت به عنوان نمونه در فتح مکه که دژ اصلی قریش (که خود را از نژاد برتری پنداشتند) سقوط کرد ( مردم خداوند کبر و تفاخر به پدران را که در جاهلیت رواج داشت در پرتو اسلام از بین برد آگاه باشید شما از نسل آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است بهترین بندگان خدا بنده ای است که با تقوا باشد عربیت پدر کسی محسوب نمی شود. بلکه زبان گویایی است آن کس که عملش نتواند او را به جایی برساند نسب و شرف نژادی هم او را به جایی نخواهد رساند<sup>۲</sup> ). در جریان حجه الوداع ضمن خطبه مفصلی که شامل موضوعات مهم و اساسی بود فرمود ( هیچ عربی بر عجمی فضیلت و برتری ندارد جز با تقوا ) . روزی در تاکید سخنان سلمان که در گفت و گو با قریش در برابر تفکر نادرست و نژاد پرستانه آنها بر ارزشهای معنوی تکیه می کرد فرمود ( ای گروه قریش شرف و نسب هر کس دین اوست مردانگی هر کس عبارت از خلق و خوی او و ریشه و اصل هر کس عبارت از عقل و فهم و ادراک است ). اگر قتلی در میان اعراب رخ می داد مسئولیت عمده متوجه نزدیک ترین خویشاوندان قاتل بودو چون معمولاً طایفه ی قاتل به حمایت از وی بر می خاستند جریان انتقام به جنگهای خونین می انجامید این جنگها که غالباً برسر مسائل جزئی آغاز می گردید سالها طول می کشید چنان که جنگ بسوس میان دو قبیله ی بنی بگرو بنی تغلب که هر دو از قبیله ربیع بودند چهل سال طول کشید. سرچشمه این جنگ ورود شتری از قبیله اول و متعلق به زنی به نام بسوس به حوزه ی قدرت و مرتع قرق شده رئیس قبیله ی بنی تغلب و کشته شدن آن بود. همچنین جنگ خونینی به نام داحس و غبرابین قیس بن زهیر رئیس قبیله بنی عبس و حدیفه بن بدر رئیس قبیله بنی فزاره و بر سر یک مسابقه ی اسب دوانی در گرفت که مدتها طول کشید. داحس و غیرا نام دو اسب بود که اولی متعلق به قیس و دومی متعلق به حدیفه بود قیس مدعی شد که اسب وی برنده مسابقه شده است و حدیفه ادعا کرد که اسب

۱- حجرات، آیات ۴۹ و ۳

۲- کلینی، ابوجعفر، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴

او مسابقه را برده است. از همین اختلاف کوچک آتش جنگ بین طرفین شعله ور و منجر به قتل افراد زیادی شد.<sup>۱</sup>

این گونه حوادث به ایام العرب شهرت یافته و کتابهایی پیرامون آن هانوشته شده است. البته گاهی با دادن چند شتر به عنوان خون بها دیه ی مقتول پرداخت می شد در هر قبیله بزرگان قوم می بایست برای این گونه امور راه حلی پیداکنند این راه حل ها ارائه می شد ولی تحمل نمی گردید و اغلب قبایل وقتی تن به قبول این پیشنهاد ها می دادند که از جنگهای طولانی خسته و فرسوده شده بودند اگر طایفه ی قاتل مقصر را برای اجرای قصاص به طایفه مقتول می دادند جنگی رخ نمی داد ولی این تصمیم چندان شرافتمندانه نبود بنابراین ترجیح می دادند خود مقصر را مجازات کنند در زندگی صحرائشینان اصل و خلاصه حفظ آبرو و حیثیت بود و در تمام اعمال خود این اصل را مدنظر قرار می دادند این مقررات و قوانین رایج بیابان کم و بیش در شهرهای حجاز یعنی طائف مکه و مدینه نیز اجرا می شد زیرا ساکنان این شهرها نیز در اجتماع خود وضع صحرائشین را داشتند یعنی مستقل و آزاد بودند و از فرمان کسی اطاعت نمی کردند اگرچه تعصب و آبروپرستی که در بیابان و بادیه وضعی افراطی و مبالغه آمیز داشت در مکه به واسطه احترامی که همه برای کعبه داشتند و تجارتی که در پرتو آن صورت می گرفت تا حدی تعدیل می شد قرآن این گونه تعصب کشی و انتقام جویی را محکوم ساخت و محور حمایت و پشتیبانی را حق و عدالت قرار داد. و تاکید کرد که مسلمانان باید برپادارنده جدی عدالت باشند اگرچه این عدالت به زبان خودآنان یا پدر و مادرو نزدیکانشان باشد ((ای کسانی که ایمان آورده اید کاملاً به عدالت قیام کنید برای رضای خدا شهادت دهید اگرچه این گواهی به زبان خود شما یا پدر و مادرو نزدیکان شما بوده باشد اگر آن کس که برایش گواهی می دهید غنی یا فقیر باشد خداوند سزاوارتر است که از آن ها حمایت کند بنابراین از هوا و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد و اگر حق را تحریف کنید یا از اظهار آن اعتراض نمایید خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.<sup>۲</sup>))

## ۲-۵- تقسیم بندی اعراب:

برخی می گویند چون نام جد مردم عرب یعرب ابن قحطان بوده لذا فرزندان او عرب نام گرفته

اند. در هر حال آنچه در حال حاضر مورد استعمال است و در قرآن نیز به همین معنا استعمال شده عرب به معنای همه ی مردمی که در جزیره عربستان زندگی می کنند می باشد.

اعراب به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- عرب عاربه یا عرب خالص ۲- عرب مستعربه یا عرب ناخالص ۳- اعراب باندۀ اعراب عاربه ساکنان جنوب عربستان که ظاهراً نژادشان به یعرب ابن قحطان می رسد و- طبق ادعای ایشان قحطان فرزند پنجم حضرت نوح (ع) است- عرب عاربه یمانی یا جنوبی نیز نامیده می شوند، چرا که از سرزمین دیگری نیامده اند. در حالیکه قبیله های ساکن مرکز و شمال از نژاد عدنان نواده ی حضرت اسماعیل بوده و از سرزمین دیگری به عربستان کوچ کرده اند، لذا عرب ناخالص یا مستعربه نامیده شده اند. گروهی از مورخان از قبیله ها و نژادهایی که اکنون از بین رفته اند اما در گذشته در شبه جزیره ی عربستان می زیسته اند، به نام اعراب باندۀ سخن رانده اند، این قبیله ها عبارتند از: قوم عاد- ثمود- طسم- جدیس- امیم- جاسم و عبیل.<sup>۳</sup>

۱- مهدوی، اصغر، سیره النبی، ج ۱، ص ۲۶۸

۲- نساء، آیه ۴

۳ شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، ج اول، ص ۳